

منابع مقاله فلسطینی سازی نژادی و ماهیت ژانوسی دولت اسرائیل

1. Nadia Abu El-Haj (2010) "Racial palestinianization and the Janus-faced nature of the Israeli state", *Patterns of Prejudice*, 44:1,2741-.
۲. «شوا» کلمه‌ای عبری به معنای «فاجعه» است. این واژه به نابودی یهودیان در دوران جنگ دوم جهانی به دست نازی‌ها اشاره می‌کند.
3. Edward Said, 'Permission to narrate', *London Review of Books*, 16 February 1984, 1317/.
4. See Peter Novick, *The Holocaust in American Life* (Boston: Houghton Mifflin 1999), and Idith Zertal, *Israel's Holocaust and the Politics of Nationhood*, trans. from the Hebrew by Chaya Galai (Cambridge and New York: Cambridge University Press 2005).
5. Rhetorical.
6. See Novick, *The Holocaust in American Life*.
7. settler colonialism.
8. See: Wendy Brown, *States of Injury: Power and Freedom in Late Modernity* (Princeton, NJ: Princeton University Press 1995); Elizabeth Povinelli, *The Cunning of Recognition: Indigenous Alterities and the Making of Australian Multiculturalism* (Durham, NC: Duke University Press 2002); and Patchen Markell, *Bound by Recognition* (Princeton, NJ: Princeton University Press 2003).
9. Michel Foucault, 'Society Must Be Defended'. *Lectures at the Collège de France, 1975/76*, ed. Mauro Bertani and Alessandro Fontana, trans. from the French by David Macey (New York: Picador 2003).
۱۰. از تئودور هرتسل به عنوان پایه‌گذار جنبش صهیونیسم یاد می‌شود.
11. Moses Hess.
12. Theodore Herzl.

۱۳. برای بحث گسترده‌تر بنگرید:

John M. Efron, *Defenders of the Race: Jewish Doctors and Race Science in Fin-de-Siècle Europe* (New Haven: Yale University Press 1994) and, especially, Mitchell B. Hart, *Social Science and the Politics of Modern Jewish Identity* (Stanford, CA: Stanford University Press 2000).

14. Nadia Abu El-Haj, *The Molecular Archive: Phylogenetics, the Origins of the Jews, and the Politics of Epistemology* (Chicago: University of Chicago Press forthcoming).

15. گلدبرگ در تبیین تفاوت‌های آپارتاید و دولت اسرائیل به چند عنصر خاص اشاره می‌کند: اسرائیل دولتی است که «جوامع واقعاً کوچک اسلامی، مسیحی و دروزی را حمل می‌کند» و «دولتی در سایه برای فلسطینی‌ها [که] عمدتاً فاقد خودمختاری، آزادی، پایه‌های اقتصادی مناسب و هر نوع امنیت برای ساکنانش است» (ص ۱۳۱). من می‌خواهم چند نظر انتقادی در مورد توضیحات بالا داشته باشم. اول، اشاره به شهروندان فلسطینی اسرائیل با فرقه‌های مذهبی آنها، مشارکت در شیوه‌های طبقه‌بندی دولت اسرائیل است که برای انکار جمعیت عرب و ادعای حقوق ملی آنها ایجاد شده است. دوم، آنها اقلیت کوچکی نیستند: فلسطینی‌های اسرائیلی حدود ۱۸ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، روایت گلدبرگ در رابطه با دستاوردهای دولت اسرائیل در طول شصت سال گذشته (۱۳۹) میزانی را که منطق نژادی دولت را از همان ابتدا پایه‌گذاری کرده است، دست‌کم می‌گیرد. پس از تأسیس دولت در سال ۱۹۴۸، شهروندان غیریهودی اسرائیل تحت حکومت نظامی قرار گرفتند که به طور رسمی فقط در سال ۱۹۶۶ لغو شد. فشارهای سیاسی بر شهروندان فلسطینی به عنوان شهروندان «بی‌وفا» دولت در حال افزایش است، به عنوان مثال، پیشنهاد اخیر مبنی بر اینکه همه فلسطینی‌هایی که برای پذیرش در

- دانشگاه‌های اسرائیل درخواست می‌کنند، ابتدا باید صلاحیت امنیتی نظامی دریافت کنند.
۱۶. Self-fashioning.
17. Liisa H. Malkki, *Purity and Exile: Violence, Memory, and National Cosmology among Hutu Refugees in Tanzania* (Chicago: University of Chicago Press 1995).
۱۸. «اولاً و شاید اساساً، فلسطینی‌سازی نژادی متعهد به پاکسازی زمین است که زیربنای آن یک اخراج اخلاقی است. پاکسازی زمین در مورد اسرائیل به لحاظ تاریخی از نظر «رستگاری زمین» صورت گرفته است. این ادعای تاریخی-اخلاقی برای رستگاری زمین، برای بازپس‌گیری سرزمینی که همیشه از نظر کتاب مقدس «مال ما» است، فلسطینی‌سازی نژادی را از شیوه‌های کلاسیک استعمار مقیمان متمایز می‌کند. احیا از طریق شهرک‌سازی با نام‌گذاری مجدد گسترش می‌یابد؛ کاهش مالکیت فلسطینی در ناپدید شدن عنوانی قابل تشخیص تحقق می‌یابد» (ص ۱۳۰).
19. Nadia Abu El-Haj, *Facts on the Ground: Archaeological Practice and Territorial SelfFashioning in Israeli Society* (Chicago: University of Chicago Press 2001). Many thanks to Goldberg (123) for clarifying what I was decidedly not arguing in the book, my critics' claims notwithstanding.
20. See also: Edward Said, *Orientalism* (New York: Pantheon Books 1978), and Edward Said, *Culture and Imperialism* (New York: Vintage Books 1994).
۲۱. تذبذب گلدبرگ در مورد پروژه صهیونیستی - اگرچه نه در مورد اینکه اسرائیل به چه شکلی درآمده است - در دیگر نکته‌های متن نیز مشهود است. برای مثال: «لحظه پس از جنگ، زمان ضد استعماری شدید بود. کنگره پان آفریقایی ۱۹۴۵... تقریباً همه رهبران آینده آزادی‌های بزرگ پسااستعماری را به طور قابل توجهی گرد هم آورد. هند و پاکستان به استقلال و دولت دست یافتند. اسرائیل به وجود آمد. چین نیز به سرعت به دنبال آنها آمد...» (ص ۳۴۰).
22. Politicide.
23. See also Baruch Kimmerling, *Politicide: Ariel Sharon's War against the Palestinians* (London: Verso 2006).
۲۴. برای توضیح بیشتر تمایزی که گلدبرگ میان اشکال طبیعت‌گرایانه و تاریخ‌گرایانه اندیشه نژادی می‌گذارد، بنگرید به:
- David Theo Goldberg, *The Racial State* (Oxford and Malden, MA: Blackwell 2002).
25. Necropolitics.
۲۶. بن‌گرید به: (Talal Asad, *On Suicide Bombing* (New York: Columbia University Press 2007).
۲۷. برای بحث جالب درباره «شهید» در سنت گفتمانی اسلامی و در تخیل سیاسی فلسطین، ر.ک: Asad, *On Suicide Bombing*.
28. Asad, *On Suicide Bombing*.
29. Robert A. Pape, *Dying to Win: The Strategic Logic of Suicide Terrorism* (New York: Random House 2005).
- شایان ذکر است که گزارش شده محمد عطا، یکی از عاملان اصلی حملات ۱۱ سپتامبر، که شب قبل را با نوشیدن مشروبات الکلی و معاشرت با رقاصه‌ها سپری کرده است. چنین گزارش‌هایی با درک غالب از او به عنوان یک مسلمان مؤمن - یک «مسلمان افراطی» - که «انگیزه‌ای» فرضی برای دخالت او در این حملات است، مطابقت ندارد.
30. James C. Scott, *Weapons of the Weak: Everyday Forms of Peasant Resistance* (New Haven: Yale

University Press 1985).

۳۱. در تحلیل گلدبرگ از بمب‌گذاری انتحاری تنش وجود دارد. حماس - و حزب الله - به عنوان ماشین‌های منطقی و روغن‌کاری شده معرفی می‌شوند. با این حال، عمل بمب‌گذاری انتحاری با توسل به مفاهیم ناامیدی و خشم توضیح داده می‌شود.

32. Outsourcing.

33. Gadi Algazi, 'Offshore Zionism', *New Left Review*, vol. 40, July/August 2006, 2727) 37/).

34. *Ibid.*, 30.

35. Idith Zertal and Akiva Eldar, *Lords of the Land: The War over Israel's Settlements in the Occupied Territories, 1967-2007*, trans. from the Hebrew by Vivian Eden (New York: Nation Books 2007), xiii.

36. *Ibid.*, xv.

۳۷. مجموعه‌ای از پژوهش‌های اخیر درباره کاربرد مفهوم حاکمیت کارل اشمیت و «وضعیت استثنایی» و مفهوم «زندگی برهنه» جورج آگامبن در مسئله فلسطین بحث می‌کند. به عنوان مثال، بنگرید به: Ronit Lentin (ed.), *Thinking Palestine* (London: Zed Books 2007).

اینجا مجال آن نیست که من به طور مبسوط به این بحث‌ها بپردازم، اگرچه مایلم متذکر شوم که خوانش‌های مستحکم‌تر و انتقادی‌تر از آگامبن و اشمیت ممکن است مفید باشند، پیش از اینکه بپرسم آیا استدلال‌های آنها درباره فلسطین «کاربرد دارند» یا خیر. آشیل امبمه دقیقاً چنین قرائت انتقادی‌ای را به دست می‌دهد. در «مرگ سیاست» (۲۰۰۳)، امبمه بحثی از لحاظ نظری و تاریخی در مورد وضعیت استثنا، نژادپرستی و زندگی برهنه ایجاد می‌کند و سپس استدلال خود را با تحلیل «اشغال استعماری معاصر فلسطین» به عنوان «کامل‌یافته‌ترین شکل مرگ قدرت» بیان می‌کند (ص ۲۷). امبمه سه مداخله مهم انجام می‌دهد که می‌خواهم آنها را برجسته کنم. نخست، او «وضعیت استثنایی» را از طریق تاریخ برده‌داری و مستعمرات و اشکال خاص قانون (یا تعلیق قانون) و خشونت‌هایی که استعمار درگیر آن بود، بازخوانی می‌کند. دوم، امبمه بحث خود از وضعیت استثنا را با تحلیل فوکو از کارکرد «نژادپرستی» - به عنوان «کارکرد مرگ» - در دولت مدرن ادغام می‌کند. (نوشته‌های فوکو درباره نژادپرستی ممکن است برای تحلیل‌های فلسطین مفیدتر از مفهوم زندگی برهنه آگامبن باشد؛ بنگرید به: فوکو، *میشل*، باید از جامعه دفاع کرد). در نهایت، همان‌طور که امبمه اصرار می‌کند، شایان ذکر است که «اشغال استعماری متأخر مدرن از بسیاری جهات با اشغال اولیه مدرن، به‌ویژه در ترکیب آن از امور انضباطی، زیست‌سیاست و مرگ‌سیاست» تفاوت دارد (ص ۲۷). ما مجبور نیستیم بین تحلیل دولت اسرائیل به عنوان یک «دولت لیبرال» آرمانی (Raef Zreik, 'The persistence of the exception: some remarks on the story of Israeli constitutionalism', in Lentin (ed.), *Thinking Palestine*, 131/47) و یا به عنوان یک دولت «مخبراتی» (امنیتی) / پلیس (Ilan Pappé, 'The mukhabarat state of Israel: a state of oppression is not a state of exception', in Lentin (ed.), *Thinking Palestine*, 148/70) یا انواع دیگر، یکی را انتخاب کنیم. این کشور دارای ابعاد لیبرال و مشخصاً غیرلیبرال است: این کشور یک دولت استعماری است و برای شهروندان یهودی آن یک دموکراسی لیبرال است. این دولت تحت حاکمیت قانون است و نیز با تعلیق مداوم آن قانون، تحت عنوان حاکمیت نظامی و در پوشش الزامات امنیتی عمل می‌کند.

Racial evaporation. 38